

استمرار قدرت شاهزاده قاجاری تا دوره پهلوی شکواتیه‌های بی‌پاسخ اهالی لشت‌نشاء از فخرالدوله

ساره عسگری

اشرف‌الملک (فخرالدوله)، فرزند مظفرالدین شاه قاجار به سال ۱۲۶۲ خورشیدی در تبریز متولد شد. فخرالدوله خواهرزاده نجم‌السلطنه (مادر دکتر مصدق) بود و این نسبت خانوادگی سبب شد در دوران کودکی بین او و دکتر مصدق پیوند نامزدی برقرار شود؛ اما بعدها با گسستن این پیوند به علت مخالفت مظفرالدین شاه، فخرالدوله با محسن خان امین‌الملک، فرزند علیخان امین‌الدوله (صدر اعظم مظفرالدین شاه) ازدواج کرد.^۱



فخرالدوله (مادر دکتر امینی)

در دوران صدارت امین‌الدوله، درباریان مخالف با اصلاحات، تلاش‌های زیادی جهت تیره ساختن روابط مظفرالدین شاه با صدراعظم نمودند؛ در این کشمکش‌ها فخرالدوله با وجود سن کم همواره نقشی میانجی‌گر و واسطه را ایفا می‌نمود. در نهایت بر اثر این کشمکش‌ها، امین‌الدوله در بهار سال ۱۲۷۸ خ. از سمت خود برکنار و به دستور شاه از تهران به لشت‌نشاء تبعید شد.^۲

لشت‌نشاء سابق بر این جزء املاک خالصه بود و زمانی که مظفرالدین شاه در پی استقراض از کشورهای خارجی بود، امین‌الدوله از فرصت استفاده نمود و با پرداخت سه هزار تومان، فرمان واگذاری

۱. امینی، ایرج، بر بال بحران، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۲. امینی، همان، ص ۲۲.

این املاک را برای پسرش، محسن خان، همسر فخرالدوله از شاه دریافت کرد.^۱ تبعید خانواده امین‌الدوله به لشت‌نشاء سرآغاز فصل جدیدی در زندگی فخرالدوله گردید و کشمکش‌ها و حوادثی که با آنها درگیر شد از او زنی مدبر و مقتدر ساخت. با مرگ میرزا علی خان امین‌الدوله، اداره امور لشت‌نشاء به پسرش واگذار شد، اما محسن خان پس از مدتی از اداره امور خسته شده و مالکیت و اداره زمینها را به فخرالدوله واگذار نمود.

فخرالدوله بر سر مالکیت زمینهای لشت‌نشاء با میرزا کریمخان رشتی درگیر نزاع‌های طولانی شد و اقدامات میرزا کریمخان برای شکست دادن فخرالدوله، او را به عرصه کشمکش‌های سیاسی سالهای پایانی سلطنت قاجار، وارد کرد. ایرج امینی در کتاب *بر بال بحران* درباره علت و منشأ این دعوای تاریخی می‌نویسد:

«در اوج قیام جنگلی‌ها، محسن خان امین‌الدوله هوس می‌کند به املاک موروثی خود در لشت‌نشاء که به همسرش بخشیده بود سرکشی کند... در گیلان میرزا کوچک خان، محسن خان را به گروگان می‌گیرد و برای آزادی‌اش صدهزار تومان وجه طلب می‌کند. فخرالدوله ناچار املاک موروثی خود را می‌فروشد و مبلغ درخواست شده را برای جنگلی‌ها می‌فرستد. اما پیش از آزادی میرزا کریم خان رشتی که با جنگلی‌ها کنار آمده بود، از دیرباز در صدد تصرف املاک لشت‌نشاء بود. به زور سند این املاک را از امین‌الدوله می‌گیرد و این عمل منشأ و مبدأ دعوای تاریخی میرزا کریم خان و فخرالدوله می‌شود.»^۲

میرزا کریم‌خان رشتی از مبارزین مشروطه‌خواه گیلانی بود و در دوره استبداد صغیر در رأس عده‌ای از مجاهدین رشت در فتح تهران شرکت داشت.^۳ میرزا کریم خان بعد از کودتای سوم اسفند، به خاطر رابطه نزدیکی که با سید ضیاء داشت، دعوی حقوقی خود با امین‌الدوله را از رشت به تهران منتقل کرد. این اتفاق موجب شد فخرالدوله برای حفظ اموال خود و مقابله با میرزا کریم خان به عرصه سیاست وارد شود.^۴

علی امینی در خاطرات خود می‌نویسد: «مادرم نقل کرد که وقتی تصمیم به دخول در مبارزه سیاسی گرفتم پیش مستوفی‌الممالک رفتم و گفتم در اثر ضعف حکومت و نداشتن دادرس برای حفظ حقوق و نجات زندگی خود و بچه‌هایم ناگزیر وارد کشمکش شدم و چون یک نفر زن هستم، دشمنان از هیچ‌گونه تهمت و افتراء و حملات ناجوانمردانه کوتاهی نخواهند کرد، ولی من با توکل به خداوند متعال و ایمان به حقانیت خودم از هیچ چیز باک ندارم و با اطمینان به پیروزی در این جنجال وارد می‌شوم.»^۵

به دنبال این ماجرا فخرالدوله، زیرکانه توانست با سردار سپه (رضاخان) رابطه‌ای نزدیک ایجاد کند و زمینه را برای غلبه بر میرزا کریم‌خان فراهم آورد. سردار سپه در دوران ریاست‌الوزرای خود شخصاً رسیدگی به این

۱. جعفرنیا، مهدی، زندگی سیاسی علی امینی، تهران، نشر پاسارگاد، ۱۳۶۸، ص ۳۳.

۲. امینی، همان، ص ۲۷.

۳. امینی، همان، به نقل از عروزی، علیرضا، خاطرات ابوالحسن ابتهاج، لندن، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۲۳ و ۲۴.

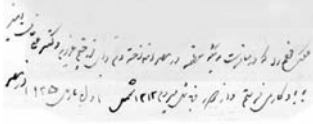
۴. امینی، همان ص ۲۸.

۵. جعفرنیا، همان، ص ۲۳.



پرونده را بر عهده گرفت و در نهایت در ۲۳ اسفند ۱۳۰۲ به دادن حق با فخرالدوله به دعوی چندین ساله‌ای که موجب زحمت دولت و عدلیه شده بود، پایان داد.^۱

فخرالدوله تنها فرد خاندان قاجار بود که بعد از کودتای سوم اسفند با رضا شاه در ارتباط بود و نیز تنها زنی بود که به طور رسمی در دفتر رضاشاه حضور می‌یافت. فخرالدوله بسیار مورد احترام رضا شاه بود، به طوری که رضا شاه او را تنها مرد خاندان قاجار لقب داده بود.^۲ قضاوت علی امینی در مورد شخصیت مادرش جالب توجه است: «... مادرم، فخرالدوله در مدیریت و تدبیر سیاست چنان مشهور بود که هنوز داستان‌ش بر سر زبانهاست، اگر امروز بپرسند در زندگی بیش از همه تحت تأثیر چه کسی بودی به جرأت می‌گویم مادرم: فخرالدوله...»^۳



با بررسی و مطالعه اسناد به دست آمده مربوط به شکایت اهالی لشت‌نشاء از فخرالدوله به مجلس شورای ملی که در مرکز اسناد کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود،^۴ می‌توان به وجه دیگری از شخصیت فخرالدوله دست یافت. در این اسناد فخرالدوله، به عنوان فردی از طبقه اشراف زمیندار که با زور و تعدی به رعایا، املاک آنها را تصرف کرده پدیدار می‌شود. با بررسی این اسناد درمی‌یابیم که پس از صدور فرمان مالکیت زمینهای لشت‌نشاء به نام پسر امین‌الدوله، او و همسرش (فخرالدوله) علاوه بر تملک زمین‌های مذکور به تصرف زمین‌های خرده مالکین و رعایا پرداخته و به زور و با سرکوب مردم، سند آن زمینها را به نام خود ثبت نمودند. در واقع فخرالدوله به جهت انتساب به خاندان سلطنتی و نیز داشتن نفوذی که خاص طبقه ملاکین و اشراف زمیندار است، مانع از رسیدگی اداره

۱. امینی، همان، ص ۳۱.

۲. لاجوردی، حبیب، تاریخ معاصر ایران به روایت تاریخ‌سازان، متن کامل خاطرات علی امینی؛ بی‌جا، ناشر صفحه سفید، ۱۳۸۳ ص ۱۵.

۳. امینی، همان، ص ۲۶، به نقل از توکلی یعقوب، خاطرات علی امینی، ۱۳۸۶، ص ۲۸.

۴. اسناد متعددی در رابطه با شکایات از فخرالدوله و امین‌الدوله توسط اهالی لشته‌نشاء در این مجموعه بایگانی شده است که به فراخور موضوع در این مقاله تنها به بخشی از آنها پرداخته شد:

- سند های شماره ۱ تا ۷ از دوره سوم به شماره بازیابی ۳/۱۸۴/۱۷/۱/۲.
- سند شماره ۸ از دوره پنجم به شماره بازیابی ۵/۱۳۳/۲۵/۱/۱۱۳.
- سند های شماره ۹ و ۱۰ از دوره هشتم به شماره بازیابی ۸/۷/۲۰/۳/۴۱.
- سند شماره ۱۱ از دوره دهم به شماره بازیابی ۱۰/۱۶۹/۲۲/۱/۹۲.

مالیه به شکایات مردمی و ممیزی زمینهای لشت‌نشاء شد. در بررسی این اسناد آنچه مهم جلوه می‌کند، استمرار اقتدار و نفوذ خاندان قاجار در دوره پهلوی است، نکته قابل توجهی که در یکی از این عرایض مردمی که به مجلس فرستاده شده، به طور تلویحی به آن اشاره شده است:

«در این دوره هم کسی قادر نیست چوب فلک مباشر فخرالدوله را از میان بردارد و کماکان به استحکام قدرت دیرینه فعال مایشائی خود باقی است.»^۱

این اسناد چنان گزینش شده‌اند که تصرفات عدوانی و تعدیات فخرالدوله و همسرش محسن‌خان امین‌الدوله^۲ را در سالهای متمادی نشان دهد: چه در سال ۱۳۳۳ق/ ۱۲۹۳خ (اسناد شماره ۱ تا ۷ در طول دوره سوم مجلس) زمانی که هنوز قاجارها یازده سال تا از کف دادن کامل سلطنت فرصت دارند، چه در سال ۱۳۴۳ق/ ۱۳۰۳خ (سند شماره ۸ در طول دوره پنجم مجلس) یعنی زمان انتقال تدریجی قدرت از احمد شاه به نخست‌وزیر وقت، رضاخان و انتقال سلطنت از خاندان قاجار به پهلوی، چه در سال ۱۳۱۰خ (اسناد ۹ و ۱۰ در طول دوره هشتم مجلس) یعنی زمان تثبیت قدرت رضاشاه و متقارن با حذف عمده نیروها و گروه‌های معارض با قدرت سلطنت و چه در سالهای ۱۳۱۵خ (سند شماره ۱۱ در طول دوره دهم مجلس) که رضا شاه به تسویه حساب با مالکان عمده به عنوان قدرتهای محلی خرد برخاست، فخرالدوله آسوده بر اریکه استبدادی خویش جا خوش کرده، چنان که گویی هرگز خاندانی، سلطنت را به دیگری نباخته و همچنان این قاجارها هستند که بر تخت سلطنت تکیه زده‌اند؛ در صورتی که در الگوی ثابت تغییر سلطنت ایران در دوره‌های پیشین یک خاندان - یا ایل - با جانشین شدن خاندانی دیگر، به یک‌باره همه نفوذ و اقتدار خود را از کف می‌داد. حال آن که در عصر پهلوی شخصیت‌های برجسته‌ای همچون فرمانفرما، مصدق، علی امینی، حسین علاء و تعداد بیشمار دیگری از شاهزادگان قاجاری بودند که به دلیل پایگاه تحصیلاتی خود مشاغل و مناصب کلیدی را عهده‌دار شدند و از نفوذ قابل توجهی برخوردار بودند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود به ویژگی شخصیتی فخرالدوله بازمی‌گردد؛ هرچه این اسناد، سالهای رو به پیشی را طی می‌کنند از نقش امین‌الدوله در اداره امور آن حدود کاسته و به نقش فخرالدوله افزوده می‌شود، این مسئله را در مقایسه اسناد به راحتی می‌توان دریافت؛ چنان که در سندهای دوره سوم شاکیان نام امین‌الدوله را می‌برند، در دوره پنجم نام او را در کنار همسرش فخرالدوله می‌آورند و در دوره هشتم و دهم تنها از فخرالدوله شکایت دارند.

۱. ر.ک. سند شماره ۹/۲.

۲. محسن‌خان امین‌الملک، فرزند امین‌الدوله - صدراعظم مظفرالدین‌شاه- و همسر فخرالدوله بود که بعد از مرگ پدر، به لقب وی خوانده شد.

متن اسناد:

[سند شماره ۱: رونوشت تلگراف عدهای از اهالی لشته نشاء به مجلس شورای ملی در شکایت از تصرفات عدوانی امین الدوله در املاک زراعی خود و تعدیات بصیر خاقان نایب الحکومه وی]

[نشان شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از رشت، به طهران، نمره قبض ۸۶۱۲، نمره تلگراف ۲۷۱، عدد کلمات ۴۷۹، تاریخ اصل ۲۱ اسد، توضیحات جواب قبول است، تاریخ وصول ۲۲ اسد، اسم گیرنده جواد

طهران عرضه داشت عاجزانه این بندگان، مالکین خرد لشت نشاء ساکنان جواهرآسای اقدس و مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فدا، ۸ کوپیه حضرت مستطاب اجل آقای رئیس‌الوزراء و آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر داخله دام‌ظلمهم، جراید رعد، شورا و ایران امروز، ارشاد و وکلاء حاضره مجلس مقدس شورای ملی، مدت بیست و هشت سال است بندگان در تحت فشار جابرانه امین‌الدوله بوده‌ایم. مخصوصاً دو سال است که یکسره بر ظلم و تعدیات خود افزوده و از طرف خود بصیر خاقان را بر مالکیت و حکومت سی هزار نفر نفوس املاک موروثی و اکتسابی این عاجزین که مدت پانصد سال است اباً عن جدماً متصرف بوده و هستیم به جبر و عنف متصرف شده در جزو املاک خالصه نموده. قسمی بندگان را احاطه نموده است که اکثر از بندگان را به قوت شب محتاج نموده است. تعدیات امین‌الدوله و نایب‌الحکومه معزی الیه را کراراً به عرض اولیای امور دولت رسانیده‌ایم، ابداً توجهی به تظلمات حقانه بندگان نمی‌فرمایند. امین‌الدوله توسط مکاتیب جلیله مدرک وزراء اعظام را منسوب می‌نماید که عرایض عاجزانه بندگان غیر موجه است و محرک داریم می‌خواهیم خاطر مبارک اعلی حضرت اقدس همایونی را از تظلمات عاجزانه خودمان مستحضر داریم که غیر از فلاح و دعاگویی ذات اقدس اعلیحضرت شهرداری و تأدیه مال دولت عقیده و قصدی نداریم. فقط مستدعیات عاجزانه بندگان این است. یک نفر حاکم حقدان و عدالی را از خارج به سرپرستی و رسیدگی امورات این سی هزار نفر رعیت مقرر فرمائید. اگر امین‌الدوله به وسائل مخصوصه القاء شبهه به اولیای امور دولت ابد مدت می‌نماید و وزارت امور خارجه و سایرین ارتباط خویش را ملاحظه فرمایند و بگذارید عرایض و تظلمات بندگان مقرون اجابت شود. بندگان سمت اولادی به حضرت اقدس همایونی داریم. اعلیحضرت اقدس و بدر جهان را قسم می‌دهیم اولاً به حقه مبارک ثانیاً به ذات اقدس خداوند، دست ظلم امین‌الدوله را از سر بندگان کوتاه فرموده و بصیر خاقان را از ریاست حکومت بندگان خلع فرمایند کما قریب است از تعدیات امین‌الدوله متواری گردیم و پناهنده به غیر شویم، مؤید عرایضات عاجزانه بندگان بیچاره-گان به لشت نشاء هستند از قبیل آقای حاجی امین‌الضرب و آقای مشیرالدوله و آقای مؤتمن‌الملک و میرزا جعفر خان، کاملاً از اقدامات جابرانه امین‌الدوله مستحضرند. زیاده استدعایی نداریم.

اقل سید عبدالله لشت نشایی، اقل میراق نصرالله خان، میر حاج حسین، عبدالرحیم، عبدالرحمن، میرزا عبدالله، ابراهیم قاسم، احمد میرزا، محمدرضا، محمدیوسف، محمد محمد شفیع حسین، حاجی سید قاسم لشت نشایی، عبدالله خان، اقل میر مؤمن لشته نشایی و ... [تعداد دیگری از اهالی لشت‌نشاء]

۲۱۵

نمونه نمرة ۱۶



اداره تلگرافی دولت علیه ایران

Modèle 16


نمرة کتاب

سنه ۱۳۶۲

از	نمرة قبض	۱۶۱۲	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به	نمرة تلگراف	۲۷۱	۴۷۹	۲۱	۱۶	۲۲	۶۱۰۰

طلب عرض دست ی حمله این نیکان مالکین صورت ن در این روز در این روز در این روز
 سینه سر اردو جانها کویه حضرت سلب هر آقا و سر اردو این روز در این روز در این روز
 جرایم سر اردو آفرین امروزه داران و کلا و غیره محسوس بر این حالت است و است
 میرکان در تحت فرمان جرایم این لود که تمام محسوس است در سیره و تمام و تمام
 در طرف خوب بصره همان در بر حالت دولت سر اردو در این روز در این روز در این روز
 امری عرض در این روز در این روز در این روز در این روز در این روز در این روز
 جزو املاک خالصه محسوس بر این روز در این روز در این روز در این روز در این روز
 لودات این لود که در این روز در این روز در این روز در این روز در این روز
 به انگلیس است حتی نه میرکان بصره در این روز در این روز در این روز در این روز

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

Modèle 16				نموده نمرة ۱۶	
سنه ۱۳۲۲		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نمبره کتاب ۱	
از وقت	نمبره قبض ۸۶۱۲	تاریخ اصل	توضیحات	مجموعه	تاریخ وصول
به ۱۶	نمبره تلگراف ۲۷۱	۲۱	۱۶	۱۶	۲۲

سرت عالیجناب سرکار عالیجناب میرزا محمد علی قزوینی
 از کسری ایالتی در امور اطلاعات به خدمت عثمان مخمض دارم و به فراز حدیثت و بی کورگی است این عرض
 شماره و تاریخ آن جهت تصدیق و تصدیق از این جهت است که این است
 و دادگی را از اوضاع کشور و مردم که در این است از این جهت است که این است
 محضره آنکه شهبان و سایر امور در این است و در این است که این است
 در این جهت است که این است و در این است که این است
 این است که این است و در این است که این است

کتابخانه مجلس شورای ملی

[سند شماره ۲: نامه عبدالله نام از اهالی لشت‌نشاء به مجلس شورای ملی مبنی بر شکایت از تعدیات امین‌الدوله و بصیر خاقان، نایب‌الحکومه وی]

مقام منیع مقدس دارالشوری کبری شیدالله ارکانه

به تاریخ ۲۳ شهر محرم عریضه از شرح گرفتاری اهالی بیچاره لشته‌نشاء از دست ظلم و تعدیات آقای امین‌الدوله تقدیم دارالشوری کبری شده بود. عریضه‌جات متواتره هم به هیئت دولتی و به تمام جراید مرکزی هم عرض و تقدیم شده. قرب یکسال است اهالی بدبخت لشته‌نشاء چه در رشت و چه در طهران آواره از خانه و زندگی خودشان مانده‌اند. تکلیف این یک مشت رعیت فقیر آنجا چیست. تا کی باید آقای امین‌الدوله در جان و مال و عرض و ناموس ما مالکیت مایشائی خود فرمان فرماید. اهالی لشته‌نشاء هم جان دار و مسلمان و رعیت پادشاه ایران هستند. از بس فریاد و آه و ناله نمودیم از طرف اولیای دولتی و ملت بی‌توجه ماند. آقای امین‌الدوله ظلم خود بی‌مانع، و ماها را بی‌صاحب دانسته بر تعدیات خود افزوده، چنانچه برادر چاکر که یک سال بوده است در طهران آواره از ظلم آقای امین‌الدوله بوده از شدت سختی غربت و سرمائی ناخوشی قریب به موت شد، به فتوای اطباء برای محل خود عودت کرد و بصیر خاقان، نایب‌الحکومه آقای امین‌الدوله با جمعیت به خانه او سرریز نموده، به حدی آن پیرمرد ناخوش را می‌زند از حال می‌رود. اینک او را... [ناخوانا] بسته رشت آوردند. مآل دادرسی ما بیچارگان منجر به این ظلم‌های سخت و تعدی صعب شده، شرح تعدیات آقای امین‌الدوله و نایب‌الحکومه او بصیر خاقان که در عریضه قبل معروض داشته‌ایم. استدعای عاجزانه داریم فکری در آسایش دعاگویان بفرمایند پیش از این از اولاد و خانه زندگی خود محروم و در غربت آواره و سرگردان نباشم. [مهر: ناخوانا] [حاشیه:] در این باب اقدام شد ملحق به دوسیه شود. ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۷
سقا فتح مصلحتی دارم که بر کسی سینه دارا کارنامه

۱
تاریخ ۱۳۰۳ خورشیدی در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۲
پای این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۳
در تمام ایام که در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۴
همه در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۵
کفایت این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۶
در زمان و احوال این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۷
در تمام ایام که در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۸
همه در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۹
کفایت این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۰
در زمان و احوال این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۱
در تمام ایام که در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۱۲
همه در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۳
کفایت این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۴
در زمان و احوال این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۵
در تمام ایام که در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۱۶
همه در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۷
کفایت این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۸
در زمان و احوال این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود
۱۹
در تمام ایام که در این عصر از تاریخ کهنی تا اواخر این سده که در دست علم بود
۲۰
همه در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود تقسیم دلاوری که در این ایام بود

۱
بیک احوال که در دست آوردند تا اواخر این سده که در دست علم بود
۲
این طبعها نیست و در همه جسم که در دست علم بود
۳
و اینست که در دست علم بود تا اواخر این سده که در دست علم بود
۴
عبارت از اینست که در دست علم بود تا اواخر این سده که در دست علم بود
۵
و در همه جسم که در دست علم بود تا اواخر این سده که در دست علم بود

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

تصویر سند شماره ۲

[سند شماره ۳: نامه سه نفر از اهالی لشت‌نشاء به مجلس شورای ملی در شکایت از امین‌الدوله مبنی بر تصرفات عدوانی املاک شخصی ایشان و آواره نمودن آنها و تقاضای تعیین حاکمی عادل از طرف دولت به جای وی]

هو

مقام منبع اعضای دارالشوری ملی شیدالله ارکانه

ما مالکین و رعایای لشته‌نشاء متجاوز از یکسال است که از خانمان خود آواره شده‌ایم، در تلگراف‌خانه رشت متحصن و چند نفری در طهران آمده به کرات مرات تظلمات و تعدیات وارده آقای امین‌الدوله را به عرض اولیای دولت معظم رسانده، توجهی نشد. امین‌الدوله به علاوه در این چند سال املاک و علاقجات و مال ما را مختص به خود می‌داند و کیف مایشاء بود، در این اوقات که ما عرایض و تظلمات خود را به عرض اولیای امور رسانیده‌ایم، حکمی نفرمودند، تجزی او زیاد شده و دخالت در عرض و ناموس ما نموده و امنیت را به کلی از ما سلب نموده. قادر به ماندن در خانه و زندگی خود نیستیم. استدعای عاجزانه داریم که اولیای دولت در خصوص املاک و علاقجات حکمی نمی‌فرمایند، مقرر شود که برای امنیت خود و اهل و عیال یک نفر حاکم بی‌غرض به ماها مرحمت شود که کمترینان بتوانیم به ولایت رفته و از چنگال ظلم آقای امین‌الدوله و بصیر خاقان استخلاص شده تا هر اوقات اولیای امور ترجم فرمودند، تحقیقات لازمه به عمل آورند. هرگاه محق هستیم املاک مغضوبه ما را گرفته مسترد دارند، کجای ایران مرسوم است که حکومت باید مالک باشد. شماها که به منزله پدر ملت هستید هرگاه ممکن است به کلی رفع ظلم و تعدی آقای امین‌الدوله را از کمترینان بفرمائید. والا مقرر فرمائید حاکم بی‌غرضی از طرف دولت مرحمت شود و اقلاً امنیت جانی داشته باشیم.

مختارخان، عبدالله خان، محمد ابراهیم بالا خان، [مهر:] مختار، عبدالله، محمد ابراهیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۷
۲

مقام منیع دینای دارالسنوی ملی شیدانه ارکانه
 اما لکن در نیامی نشسته متجاوز از یکسال است که از خانان خود او را در شیدانه
 متحصن و چند نفوی در طهران آهه بکرات مرات ثطلات و تقیبات و اوردن
 را بر عرض اولیای دولت معظم رسانده تو چس نشد این الدوله بعد از این
 چند سال املاک و علاقجات و مال مارا محض بخود میداند و کیف مایشا بود در این
 اوقات که ما عرض و ثطلات خود را بر عرض اولیای امر رسانیده ایم
 حکمی نفرمودند تجری او زیاد شده و حالت در عرض و ناموس مانزوره و است
 بکلی از ما سلب نموده قادماندن در خانه و زندگی خود نیستیم و ستادای خانه
 داریم که اولیای دولت در خصوص املاک و علاقجات حکمی بنویسند و مقرر
 که برای امنیت خود اهل عیال کینفر حاکم بی غرض ما ما محرمت خود که گزین
 برانیم بولایت رفته و از چنگال ظلم آقای امین الدوله و بصیر خاقان
 شده تا اوقات اولیای امر ترجم فرمودند تحقیقات لازمه بعمل آورند
 هرگاه محس مستم املاک منصوبه ما را گرفته مسترد و از بدگامی ایران
 مرسوم است که حکومت باید مالک باشد شما که بمنزله بدگامی است
 هرگاه ممکن است بکل رفع ظلم و تعدی آقای امین الدوله را از بدگامی
 بفرمایید و الا مقرر و مایند حاکم بی غرض بجان ساران از طرف دولت
 محرمت خود اقل امنیت جانمان داشته باشیم

محمدخان عبدالعزیزخان محمدخان لایخان



Handwritten notes and signatures on the right margin, including the name 'محمدخان عبدالعزیزخان'.

[سند شماره ۴: جوابیه وزارت داخله: مجلس شورای ملی در خصوص شکوائیه عده‌ای
از اهالی لشته نشاء از امین‌الدوله مبنی بر ارجاع ایشان به عدلیه رشت]

مورخه ۲۴ شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۳

[نشان شیر و خورشید]

وزارت داخله

اداره: ایالات و ولایات، دائره: شمال

نمره ۲۰۵۰۳/۵۹۱۹

ریاست مجلس شورای ملی شیداله ارکانه

رقیمه شریفه نمره ۳۷ متضمن سواد عرض حال اهالی لشته نشاء وصول دارد. اطلاعاً زحمت می‌دهد که
از طرف عارضین مستقیماً به وزارت داخله مراجعه شده بود و چون مطلب حقوقی است جواب داده شد که
به عدلیه رشت رجوع نمایند. [امضاء: ناخوانا] [مهر وزارت داخله]
[حاشیه:] با دوسیه به کمیسیون عرایض صادر شود، ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۳،
همینطور جواب بدهند، کمیسیون عرایض.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



وزارت داخله

اداره ریاست و دبیرت دائره

نمبره ۲۰۵۰۳/۵۹۱۹

مورخه ۲۴ شهر ربیع الاول ۱۳۳۳
ضمیمه

بیت مجلس شورای ملی
بیت ریاست و دبیرت
در طرف معارضین تصحیح نوزارت
و اطلاعیه است
ماده ۱۷



بیت مجلس شورای ملی

پژوهشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

مجلس شورای ملی

۱۷/۶

[سند ۵: نامه مجلس شورای ملی به وزارت داخله در پاسخ به جوابیه آن وزارت خانه در شکایات متعدد اهالی لشت‌نشاء مبنی بر رسیدگی به اعمال حکومت امین‌الدوله در آن منطقه]

به تاریخ غره شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۳۳
وزارت جلیله داخله

[نشان شیر و خورشید]
مجلس شورای ملی

وزارت جلیله داخله

میرزا قاسم خان و عبدالله خان و مختارخان ملاکین لشته‌نشاء مجدداً شرحی مبنی بر شکایت از بصیر خاقان نایب‌الحکومه آنجا و استدعای تغییر او به مجلس نوشته‌اند. سواد آن را لفاً ارسال نموده که پس از ملاحظه هرطور صلاح می‌دانند اقدام فرموده نتیجه را اطلاع دهند. [امضاء: ناخوانا]

بر طبق مرقومه آن وزارت جلیله مورخه ۲۴ شهر ربیع‌الاول در ذیل نمره ۲۰۵۰۳/۵۹۱۹ مراتب به مالکین لشت‌نشاء اخطار شد، مجدداً شرحی به مجلس اظهار داشته عدم رضایت خود را از حکومت بصیر خاقان اظهار می‌دارند. چون مدتی است اهالی لشته‌نشاء به طرق متعدد از ترتیب حکومت خود شاکی و متظلم‌اند آیا بهتر نیست تفتیش در عمل حکومت آنجا به عمل آمده در صورتی که متظلمین در اظهارات خود صادق باشند موجبات آسایش و رفع شکایت آنها به عمل آید در هر صورت از نتیجه اقدامات آن وزارت جلیله، مجلس را مطلع نمائید. [امضاء]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مجلس شورای ملی

تاریخ: شهر محرم ۱۳۳۳

وزارت عدلیه

بسم الله الرحمن الرحیم
میرزا آقاخان محمد علی خان قاجار
نائب اول مجلس شورای ملی
بر طریقی صلح میزانه اتمام فرموده شد

نمبره کتاب ثبت	۹۷۵
کارتن	۱۷ دوسه
ذکر نمرة های قبل	
ضمیمه	

(۶)

۱۳۱۹ هـ / ۱۳۰۲ م
بر طبق برقر آن وزارت عدلیه بر روز ۲۴ شهریور ماه ۱۳۱۹ هـ
بر حسب با همی رفته در جلالت میرزا آقاخان محمد علی خان
عدم بیعت نمودند و حکومت بعیر فغان آنها رسانند چون
تعداد آنرا در متن بطریق تصدیق از وزارت عدلیه حکومت
تسلیم شده است که بهر جهت قفسه در محکومات آنها همی رفته
در هر دو کتب مشخص در این وزارت فوعلی است رحمت برسان
در این کتابت آنها همی رفته در هر دو کتب از جمله آن

وزارت عدلیه

[سند شماره ۶: جوابیه وزارت داخله به مجلس شورای ملی در خصوص تفتیش در حکومت لشته نشاء و رسیدگی به شکایات اهالی آن منطقه]

مورخه ۷ شهر جمادی الاول ۱۳۳۳

[نشان شیر و خورشید]

وزارت داخله

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

بر طبق رقیمه شریفه نمره (۶۷۵) راجع به شکایت اهالی لشته نشاء از بصیر خاقان، تعلیمات لازمه به حکومت گیلان صادر شد.

مهر: [وزارت داخله]

[حاشیه:] به کمیسیون عرایض فرستاده شود.

سواد مراسله وزارت داخله برای عارضین فرستاده شود، ۱۹ جمادی الاول کمیسیون عرایض.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

دوره ۷ شهر شهریور ۱۳۳۳
ضمیمه



وزارت داخله

اداره نال دائره

نمبره

مجلس توشه روزی می شود و در کار
پیش رو نیزه (۶۷۵) بر حسب کتب است اما لاسته نادره و غیره می باشد که در کتابت کتب
۱۳۳۳



بسمه عرض فرمایند



۱۷
۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کودک به در وزارت داخله
پرتال جامع علوم انسانی
فرمانده کو ۱۹ مهر الود کسول
۱۳۳۳

[سند ۷: تلگراف اهالی حسن کیاده به مجلس شورای ملی در شکایت از امین الدوله و اولیای امور لشته نشاء مبنی بر تصرفات عدوانی در املاک شخصی ایشان و دیگر تعدیات آنها]

[نشان شیر و خورشید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از رشت، به طهران، نمره قبض ۲۹۲۰۹، نمره تلگراف ۵۹۶، عدد کلمات ۵۲۱، تاریخ اصل ۲۸، توضیحات: به وسیله وکلای گیلان، تاریخ وصول ۲۹، اسم گیرنده ... [ناخوانا]
مقام منبع مجلس شورای ملی شهیدالله ارکانه، ۴ کپیه وزارت جلیله خارجه دامت شوکته، کپیه وکلای محترم گیلان دامت اقباله، کپیه جریده شوری دامت برکاته.


ما بیچارگان رعایای حسن کیاده سالهای متمادی است، گرفتار ظلم و تعدیات امین الدوله و اولیای امور لشته نشاء هستیم. دیگر نه ملک برای ما گذاردند نه مال نه حشم نه عصمت، در سنه ۱۳۱۰ به حکم دولت قوی شوکت و حکومت مشیرالسلطنه و مأمورین حکومتی و مصدقین طرفین آمدند و حدودات حسن کیاده را با لشته نشاء مشخص و معین نمودند و اسناد قاطع در دست طرفین دادند. از آن تاریخ به بعد، امین الدوله برخلاف تصدیق، ابتدا رودخانه عشک را گرفت، حسن کیاده را از بندریت انداخت، بعد خانه و عمارت رعیت را برای اینکه خودش چند جریب بهره ببرد به سیلاب رودخانه سفیدرود داد. و هر روز به یک عنوانی ایل جار و جمعیت فرستاد. از رعایای حسن کیاده چه تلف، چه مجروح نمودند، چه مال حشم و محصولهای رعیت بیچاره را تفریط نمودند، به غارت بردند. فعلاً هزار جریب ملک حسن کیاده را به زور بی حساب و اتکاء به خارجه، می خواهد مداخلات نامشروع نماید. تمامی ملاکین اهالی گیلان مستحضرند بلکه اداره لیانزوف که در حسن کیاده ساکن است از همه بهتر می داند یک ماه است ما بیچارگان رعایای حسن کیاده سر و دست شکسته، به رشت آمده متحصن و به اربابهای خود خبر داده ایم، عریضه جات تلگرافی نموده ایم کسی به داد ما بیچارگان نمی رسد. اصالت و نجابت مالکین محترم مانع از طرفیت و شکایت است. طاقت ماها تمام شده زیاده بر این نمی توانیم تحمل و تأمل کنیم و هر روز عصمت خود را به واسطه تحریکات امین الدوله گرفتار اجانب ببینیم. صریحاً عرض می نمائیم به اندازه [ای] زندگی بیچارگان تنگ و سخت گردیده است که حاضر شده ایم یا احقاق خود را بنمائیم یا خودمان را به کشتن بدهیم از زندگانی سیر و زیاده بر این ننگ و بی غیرتی را تحمل نکرده باشیم. البته اگر خدایی هست و معادی هست منتقم حقیقی از ظالمین و از اولیای امور که رفع ظلم نموده اند انتقام خواهد کشید و از مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی و اولیای دولت و نمایندگان گیلان عاجزانه استدعای جواب داریم. رعایای حسن کیاده: یحیی قهرمان، محمدرضا ابوطالب مشهدی، علی رضا مشهدی، یوسف علی استاد و ... [۸۵ نفر از اهالی حسن کیاده]

Model 16			شماره ۱۶
سال ۱۳۳۳	اداره تلگرافی دولت علیه ایران		شماره کتاب ۶-۱۷
تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ ارسال	شماره پیغام ۱۹۲۰۹
۱۳۳۳	کتابه و اداره تلگرافی	۲۸	شماره تلگراف ۵۹۶

تکمیل مسیح منبج تقدس کربلا علی نبی الله اکرم که دولت علیه و دلفا که دولت علیه فاجده دارا کتبه
 که دو کتب مهم کتبه در این کتاب که چه کتب در این کتاب که ایچره کان ری، من کین در ماههای متوارکا
 است گرفتن علم ندرت است این العلم اولی بر دولت است چشم کتبه کتبه کتابا که گذارند نه اول
 هم من نه سخت در سنه ۱۳۱۰ کلمه صلی قریشی و کتبه کتبه کتبه و مازنی کتبه و صدیق کتبه کتبه
 عده کتبه من کین در راه است کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه
 کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه
 کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه
 کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه
 کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه کتبه

پایان جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

Module 1a				نموده نموده ۱۶	
سنه ۱۳۳۳		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		نموده کتاب ()	
تاریخ وصول	اسم گیرنده	نوشته	تاریخ اصل	عدد کلمات	نموده قبض
۱۳۳۳		صل		۵	۵
			نموده تلگراف		۵۶۶

قلم سارو لب کرم حنی نور حنی صهی نموده المرحوم ایام شیخ محمد حسن بن محمد صالح حنی و عبداله میرزا نور محمد حنی
 ابراهیم علی علی کرم صهی محمد حسن بن محمد حسن اهدی محمد حنی اهدی خلداره آن میر صهی اهدی حنی کرم حنی
 صدر علی حنی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

[سند ۱-۸: نامه تعدادی از اهالی لشت‌نشاء به سیدحسن تقی‌زاده، نماینده مجلس شورای ملی، مبنی بر شکایت از تصرفات عدوانی امین‌الدوله و فخرالدوله در املاک شخصی ایشان خارج از حدود سند مالکیت خود و تقاضای تعیین حدود آن اراضی]

۳۰ سنبله ۳ [۱۳۰]

حضور محترم حضرت آقای تقی‌زاده نماینده دارالشورای ملی دامت برکاته
اولاً مقدم مبارک را در مرکز ایران که خضارت دهنده بوستان عدالت و حق‌گزاری است و مقطوع سازنده
ریشه شجره ظلم و جنایت‌کاری است از طرف عموم مظلومین ایران تبریکات صمیمانه تقدیم و از ایزد
متعال تأییدات کامله و موفقیت‌های لازم را در پیشرفت آن مقصود مقدس که در قلب مبارک ذخیره و
معطوف به استقرار آسایش و ایجاد عظمت ملت و مملکت ایران است مسئلت می‌نمائیم: ضمناً ما ضعفاء
خورده [خرده] مالکین مظلومین لشت‌نشاء که دچار ظلم و فشارهای آقای حاج امین‌الدوله و خانمشان
فخرالدوله شده و به واسطه انتساب مشارالیهما به خانواده سلطنتی و خویشاوندان قاهر مظلوم‌کش بی‌عاطفه
او بی‌دادرسی و از هستی و خانه و زندگی و وطن ساقط و آواره و سائل به کف گردیده در اثر تظلمات و
دادخواهی که شرح مظلومیت ما ضعفاء در تمام جراید و ادارات دولتی مملو است، به وسیله آن یگانه وجود
محترم که مایه امیدواری مظلومین ایران است، از مقامات مربوطه استرحام و ذیلاً تقدیم عریضات حقه
خودمان مبادرت نموده و خاتمه دربه‌دری و پریشان روزگاری خودمان را خواستاریم:

اولاً، همچنانیکه فرمان منتقله دولت علیه که سند مالکیت حاج امین‌الدوله است مصدق و شاهد عریض
دعاگویان است - بعضی از قراء لشته‌نشاء شش دانگ متعلق به دعاگویان و به همین جهت دولت علیه از
فرمان موضوع و داخل در انتقال مشارالیه نفرموده‌اند - مشارالیه با قهر و غلبه و حبس و شکنجه همه را در
تحت مداخله خود آورده و ما ضعفاء را از مداخله محروم داشته است. چرا از مشارالیه پرسش ننموده که در
صورتی که در فرمان منتقله اسم چنین قرائی برده نشده و شما به چه قانون مداخله می‌نمائید.

ثانیاً در سایر قراء که مالکین ذی‌علاقه به دولت هم خالصه داشته است ایضاً دولت علیه در فرمان مزبوره
مالیاتی که راجع به املاک مالکین بوده از جمع انتقال مشارالیه منها فرموده و... هشت هزار تومان کشوری
را خالصه خود داشته و در ذیل فرمان معلوم و معین فرموده به آقای حاج امین‌الدوله برگزار نمودند، در این
قراء نیز دست تعدی و تجاوز را به حقوق مظلومین ادامه داده، قریب هزار نفر عائله و بچه‌های صغیر و کبیر
را به اتکاء خانواده سلطنتی و خویشان ذی‌نفوذ خود گرسنه و بی‌قوت نموده است.

ثالثاً، در سنه ۱۳۳۵ مرحوم میرور حاج سید محمدرضا مجتهد و آقای حاج شیخ محمدتقی مجتهد به
وکالت‌نامه از طرف خانم فخرالدوله با حضور آقای حاج امین‌الدوله در لشت‌نشاء در حالی که ضعفاء و
مظلومین را بی‌دادرسی و بی‌چاره دیده بودند، راجع به حقوقی که مالکین در قراء خالصه داشته‌اند و از جمع
انتقال مشارالیه منها شده بوده در مقدار معینی مصالحه و در تصرف ضعفاء باقی گذاشته و بر طبق آن هم
به مهر و امضاء و کلاء طرفین و خود حاج امین‌الدوله مصالحه‌نامه ردّ و بدل شد تا راجع به قراء شش دانگ

هم ترتیب داده شود، اینک همان املاک‌های المصلحه را نیز در تحت تجاوز و غارت‌گری خود کشید... [ناخوانا] و جمعیت فرستاده کلبه محصول را غارت نموده‌اند.

رابعاً، استرحام مینمائیم امر صادر گردد به وسیله چند نفر اشخاص صالح برطبق شرح فرمان منتقله دولت که سند مالکیت مشارالیه است املاک خالصه را با املاک مالکین ضعفاء تفکیک و تعیین، تا بدین وسیله دست غارتگری گماشتگان مشارالیه از علاقه‌جات دعاگویان کوتاه شده و از سرریزی و مهاجمات ایشان خلاصی پیدا نموده، به سرمنزل خود رفته و دعاگویان و شاکر باشیم.

خامساً، چنانچه دولت حاضره محبوب کنونی هم محظور است، امین‌الدوله و فخرالدوله وارد را مطابق سند مالکیت او قانع به حقوق و حدود او فرموده و مهاجمات او را قطع دارد. برای رضای خدا طریقی برای زندگی و اعاشه ما ضعفاء معین و مقرر فرمایند تا از آن طریق اعاشه و امرار حیات نموده از سرریزی و قتل و غارت کثرت جمعیت مشارالیها رهیده و خلاص شویم تا خداوند دادرسی نماید - ضعفاء و مالکین لشته نشاء.

[ممهور به مهر ۴۵ نفر از اهالی لشت نشاء از جمله:] محمدحسن، ابوالقاسم، میرزا عبدالرحیم محمد هاشم، اقل اسداله و... [تعداد ۲۵ مهر در پشت سند]



شماره پنجم
۱۳۰۶ خورشیدی

۸۴۴۰

تجدید میثاق - قمر لیلی نامیده از نامور دانشمند ایرانیست
 این سند در روز کربلا در خوارزمستان و دهستان عدالت و مکران است و مطوع نامیده شده بود و به جهت کارهای مشورت
 مطوع و این ترغیب است چنانچه قاجار در سال آمیزات کاتب در قریب است نام هر دو را در بهر آن آینه رسیده است و در یک بار بر طرف
 بسته شده است این است و این مطوع است و مملکت ایران است شکر تمام
 حق ضعیف و خوره با این مطوع است نام که در مطوع و غیره که حاج ابن ابدولم و خانم این مطوع است و در مطوع حساب نام این مطوع است
 فاطمه مطوع که در مطوع و از این مطوع در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 در تمام موارد و در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 حقه حقان مبارک است و در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع

اوله چنانکه در این سند مذکور است مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 در تمام موارد و در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 از این مطوع است که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 نامش در روز کربلا که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 و در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 اقدام در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع

تا در سینه ۱۳۳۵ خورشیدی هر دو مطوع و نامی مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 ضعیف مطوع و در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 ضعیف اما در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 از این مطوع است که در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 را با این تمام مطوع که در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 تا این وقت که در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 خانم چنانچه در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع
 بر این تمام مطوع که در تمام موارد که در تمام موارد که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع که در مطوع



پیغام بهارستان / د. س. ۲، ش ۶ / زمستان ۱۳۸۸

[سند ۸/۲: توشیح سید حسن تقی‌زاده بر شکوائیه اهالی لشته نشاء مبنی بر تقاضای پیگیری شکایت ایشان]

این عریضه را که خطاب به اینجناب نوشته شده چون مطالبش راجع به شکایت جمعی از مردم توسط وکیل ملت است لهذا اینجناب مستدعی هستم که مجلس ملی و کمیسیون عرایض این عریضه را قبول فرموده به مقامات لازمه برسانند

۳۰ سنبله ۱۳۰۳، حسن تقی‌زاده

[حاشیه:] نماینده محترم لازم است مطالب خود م را به مقام منبع جلیله مجلس تقدیم و از آنجا به کمیسیون عرایض ارجاع فرمائید... [ناخوانا]



این عریضه را که خطاب به اینجناب نوشته شده چون مطالبش راجع به شکایت جمعی از مردم توسط وکیل ملت است لهذا اینجناب مستدعی هستم که مجلس ملی و کمیسیون عرایض این عریضه را قبول فرموده به مقامات لازمه برسانند
۳۰ سنبله ۱۳۰۳
حسن تقی‌زاده

پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فریبچی

[سند ۹/۱: نامه عده‌ای از اهالی لشت نشاء در شکایت از تعدیات فخرالدوله و تعیین یک نفر نایب‌الحکومه مرکزی و تأسیس دوایر دولتی در آنجا]

[۱۳۱۰/۱۰/۶]

ساحت مقدس مجلس شورای ملی دامت عظمت‌ه العالی

فدویان خورده [خرده] مالکین و رعایای لشته نشاء سالها است از تعدیات و اجحافات خانم فخرالدوله به جان و مال فدویان به زینهار آمده‌ایم. در دوره سلطنت آل قاجار هر قدر به مقامات مربوطه استعائه و تظلم کردیم برای [به دلیل] انتساب خانم معزی الیها به خانواده سلطنت کسی به داد ما نرسید و کسی قادر نشد، قدرت کیف مایشائی خانم فخرالدوله را از مال و هستی ما رفع کند. گرچه تذکر دادن به مقام منبع از اینکه خانم معزی الیها علاوه بر تجاوزاتی که در حقوق آبا و اجداد فدویان اعمال داشته، قراء و قصابات متعددی از مال دولت را که جزو فرمان انتقالی ایشان نبوده است دست‌اندازی و تصاحب کرده است. فقط برای آن است که این قبیل عملیاتشان مقام سلطه و قدرتشان را ثابت می‌نماید و برای تذکر به مقام منبع در صدق عرایض فدویان ناگزیر از تذکر هستیم، خانم فخرالدوله در دوره سلطه و اقتدار خود (گرچه حالیه هم به قدرت خود باقیست) که یازده قریه دولت را تصاحب کرده و در سال ۱۳۰۷ در وزارت مالیه، شاهزاده نصرت‌الدوله همشیرزاده خود و مأمور مخصوصی از طهران برای ممیزی لشته‌نشاء اعزام داشته و در نتیجه بیش از یک ثلث املاک لشته نشاء را بازدید و ممیزی نکرده‌اند گرچه بیش از یک سال راپورت‌های جامع و شواهد متقن مصرح به مقام وزارت جلیله مالیه و دوایر مربوطه آن تقدیم داشتیم و در نتیجه دو دفعه مأمور برای ممیزی و رسیدگی قضیه به گیلان آمده. همین که خواستند اقدام به ممیزی و رسیدگی کنند این شاهزاده خانم زبردست به طوری عمال و کارکنان خود را به کار انداخت که تمام اقدامات وزارت مالیه را خنثی و بی‌نتیجه گذاشت، یعنی وقتی که مأمور ممیزی یک قریه کوچک را که در ممیزی ۱۳۰۷، شصت و چند جریب بازدید شده بود بیش از پنجاه جریب اضافه آورد. باعث خشم و غضب خانم معظم الیها گشته در ظرف دو روز ممیزی لشته‌نشاء را که مطابق حکم اداره عایدات کل مالیه امر شده بود تجدید ممیزی شود و موقوف شد و نزدیک بود اسباب زحمت مأمور ممیزی و سایرین شود.

چند روز قبل مأمور نظمیة حسن کیاده به دو نفر آژان و اژه کش دستور می‌دهد مطابق مقررات چند چوب از جنگل حسن کیاده برای ساختمان جهت آژانها ببرند. آژان‌های مزبور گویا اشتباه کرده از سر سامان لشته نشاء یک چوب می‌برند. علیجان نام، کدخدای خانم فخرالدوله مطلع شده به میرزا حسین، مباشر لشته نشاء خانم اطلاع می‌دهد در نتیجه به امر میرزا حسین مباشر علیجان کدخدا جمعیت کرده، آژان‌ها را به قدری می‌زند که بی‌حس شده به زمین می‌افتند و تفنگ‌های آنها را گرفته به لشته نشاء می‌برند.

ساحت مقدس مجلس شورای ملی کسی که در این عصر، باز در نهایت قلدری، اقتدار خود را به دولت و مأمورین رسمی آن نشان بدهد و پیش هم ببرد، البته تسلط آن نسبت به یک مشت مردمان بی‌پناه به کیف مایشائی و قدرت خود باقی است و در نتیجه قدرت و تعدیات مدتهای متمادی خود املاک و قراء صد و پنجاه ساله اجدادی ما را به زور دخالت و تصرف کرده و امروز در پیش چشم همه، همه را به اسم خود

ثبت اسناد می‌نماید. و ماها هم نه قادریم چیزی بگوئیم و نه استطاعت آن است مطابق مقررات قانون رفتار کنیم. اگر استثناء شود سه نفر از اهالی بتوانند به وسائلی از قبیل عرض حال دادن، اعسار و غیره که حتم به محکومیت آنها منجر خواهد شد. زیرا شخص سفیر در مقابل عایدات لشته نشاء که برای همه و همه چیز کافی است، جز محکومیت، انتظار دیگری را نمی‌توان داشت به محاکم صالحه رجوع کنند. اکثریت بزرگی از زنهای بیوه و صغیر مردهای بی‌اطلاع، خانم معزی‌الیها اکثر آنها را محتاج به دریدن کرده است به کجا می‌توانند پناه برده و ملتجی شوند جز اینکه ساحت مقدس را که مسئول حفظ و حراست جان و مال اهالی است برای رفاه عامه رفع تعدی از یک مشت زن‌های بیوه و صغار بنمایند. لشته نشاء [با داشتن] قریب پنجاه پارچه آبادی بعد از لاهیجان و لنگرود مهمترین بلوک محال گیلان و یکی از بنادر مهم گیلان برای حمل و نقل مال‌التجاره است. ساحت مقدس کوچک‌ترین بلوک گیلان، حتی بعضی قراء بزرگ دارای نایب‌الحکومه و سایر مؤسسات دولتی است و حسن کیاده دویست خانواری نظمی و آژان و غیره دارد ولی لشته نشاء با آن همه اهمیت تجارتي و هر جهتی که بیش از پنج هزار خانوار و قریب بیست هزار نفر جمعیت دارد فاقد از هرگونه مؤسسات دولتی است و در این دوره هم باز مباشر و پیشکار خانم فخرالدوله، مطلق‌العنان به جان و مال اهالی است. استدعا داریم محض رضای خدا و حفظ مقام عظمی سلطنت اعلیحضرت تاجدار پهلوی امر و مقرر شود اولاً رفع تعدیات خانم فخرالدوله از حقوق اجدادی فدویان بشود ثانیاً یک نفر نایب‌الحکومه با بودجه دایمی و شعبه نظمی که جان و مال ضغفاء را از دست گماشتگان قلدر سرکش خانم معزی‌الیها نجات داده و صدها خانوار صغار و زنان بیوه را دعاگوی ذات اقدس اعلیحضرت شهریاری و مقام منبع فرماید برای لشته نشاء تعیین و اعزام گردد - دعاگویان خورده مالکین لشته نشاء [ممه‌ور به مهر عده‌ای از اهالی از جمله] محمدعلی، حبیب‌الله، احمدعلی، خدیجه، محمدرضا جواد، ابوالقاسم و ... [۲۹ نفر]

[حاشیه بالا چپ:] کمیسیون محترم عرایض

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

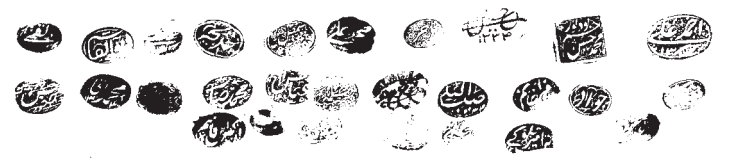
ل ش

تذکره قاجاری

عمر ۱۸۷۰... ۱۳۰۴

تجدید هر چه در این زمانه شدت یافت و این زمانه را در جهان نامور خوانند... در هر حکومتی...

خبر بدیست که در این زمانه در هر کشور و در هر مملکت... اینست که در هر مملکت...



تصویر سند شماره ۱-۹

پایام بهارستان / د. س. ۲۰، ش ۶ / زمستان ۱۳۸۸

[سند ۹/۲: یادداشت شخصی نامعلوم بر شکوائیه پیشین اهالی لشته نشاء]

لشته نشاء ناحیه‌ای است مجزا و ارتباط آن با دنیای خارج از خودش مقطوع است و کمتر ممکن است از وضعیات داخلی آن همیشه و مرتباً اطلاع حاصل کرده، پس از عرض این عریضه مطلع شدیم که میرزا حسین، مباشر لشته نشاء و مهدی هادی نام یک نفر از اهالی را به چوب و فلک بسته و قرب به یک ساعت چوب زد و آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی در این دوره هم کسی قادر نیست چوب فلک مباشر خانم فخرالدوله را از میان ببرد و کماکان به استحکام و قدمت دیرینه فعال مایشائی خود باقی است. اگر روزنه امیدی برای اشخاصیکه قادر به تظلم هستند باقی بود آن هم به حمدالله به تعیین آقای میرزا باقر خان رسا به سمت ریاست عدلیه گیلان که از اهل رشت و از بستگان آقای داوودزاده [که] پیشکار لشته نشاء است، از بین رفته و به کلی مسدود شده است.

[مهر: ناخوانا]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شدت نما صیغه است چنانچه در باطن آن ما در خارج از خودش تقویج است بلکه سخن است از وضعیت در فعل آن
 همیشه در شاخه الطبع ۴۹ میل کرد. نیز از عرض این که گفته سطح بندیم که نیز از این بار شکر و دیگر کارها نیز از
 اهل را بگوید و اغلب نیز قریب یک عمت خوب زو قیام نماید که گفته نمیدانم که این در این مکتب را که
 کس که در شیت خوب ملک با نیز تمام خوالده را از نشان برود و طایفان به حکام و در دست در نیز فعال با آن که بود
 با آن است. اگر در نیز این بر سر را تمام کرده تا در به قطعه شیت تمام نمود که در این معنی آن را نیز با آن زمان را
 سمیت راست جمله که گمان که از این روش در از لیکن تا در طایفه در این شیت است از این روش
 و کعبه در در این است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱۰: جوابیه وزارت داخله به مجلس شورای ملی در خصوص تقاضای اهالی لشته نشاء مبنی بر تعیین نایب‌الحکومه و تأسیس نظمیه در آن منطقه

[نشان شیر و خورشید]

به تاریخ ۱۶ مهر ماه سنه ۱۳۱۰، نمره ۱۲۴۰۰

وزارت داخله

ریاست محترم مجلس شورای ملی

عطفاً مرقومه محترمه نمره ۴۳۴۷ راجع به تقاضای چند نفر از اهالی لشته نشاء در خصوص تعیین نایب‌الحکومه و تأسیس نظمیه در محل مزبور زحمت اشعار می‌دارد که تشکیلات اداری از حیث حکومت و نظمیه و غیره هنوز در تمام نقاط مملکت بسط نیافته، چنانکه بعضی نقاط بزرگتر و مهمتر از لشته نشاء فعلاً فاقد تشکیلات مزبوره هستند و بدیهی است به تدریج با رعایت وضعیات مالی و احتیاجات در این زمینه اقدام خواهد شد.

علی منصور

[مهر وزارت داخله]

[حاشیه بالا: کمیسیون محترم عرایض، ۱۶/۱۱/۱۳۱۰]

[حاشیه پائین: ضبط شود ۱۹/۱۱/۱۳۱۰]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ: ۱۰ مهر ماه... سنه ۱۳۱۰

نمبر: ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ضمیمه ۲۲



وزارت دوله

۱۰/۱۱/۱۹

اولاده اول

رایت محرم ندرت

سلطان قورقورم ۳۳۷...
براج متعاضد ندرت...
درست ندرت در ندرت...
نقد اولکت سلطانیه...

در برت در تدرج با رعایت و...

مت. حضور



صفت بعد ۱۰/۱۱/۱۹

ش. ش.



۲۰ / ۱۴۱

Handwritten signature

[سند شماره ۱۱: نامه عده‌ای از طرف اهالی لشت‌نشاء به مجلس شورای ملی در شکایت از داوودزاده پیش‌کار فخرالدوله مبنی بر تصرف عدوانی املاک ایشان و ثبت آنها به نام خود]

ساحت مقدس مجلس شورای ملی

با احترامات فائقانه وجود مبارکتان را مستحضر میداریم، این جان‌نثاران اهالی بندر حسن‌کیاده، مدت سالها بوده در زمان مالکیت آقایان مهدوی و آقای پیرنیا در تحت قاعده مستأجرانه ساختمان نموده و معیشت می‌نمودیم حال بدبختانه مدت یکسال است در... [ناخوانا] آقای حاجی محمدعلی آقای داوودزاده پیشکار علیه عالیله خانم فخرالدوله واقع اول کاری نموده آنچه مآل اندیش سابقه داشته باید آقای داوودزاده مخارج مخروبه چندی ساله بنده آن هم از اثر قلت آب نابود و خودمان در سنه اول دوچار سجل الاجاره جریب بیست دو قوتی واقع از طرف دگر ساختمان‌های مسکونه شخصی اینجانبان که واقع است کنار بحر خزر زمان مالکان محترم فوق ساخته او را به عدواناً متصرف و به ثبت املاکی و اعیانی خود مخرب حقیران را محروم دور نخواهد بود. پس از تقدیم عریضه ناچاریم دست عیال و اطفال خودمان را گرفته اسیروار پراکنده، لازم دانستیم که عرض داد خود را به و کلاء محترم مخصوصاً آقای صفاری وکیل این یک مشت ملت بیچاره رسانیده شاید از دست ظلم افزای داوودزاده گیلانی استخلاصی حاصل و به زحمات چندین ساله خودمان موفق به دعاگویی عمر شریفتان اشتغال ورزیم. و در خاتمه انتظار امر مبارکتان را داریم.

از طرف عموم اهالی بندر حسن‌کیاده. [ممه‌ور به یک مهر و سه امضاء ناخوانا]

[حاشیه بالا]: کمیسیون عرایض ۱۳۴/۵/۱۳]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ح-سکا
۱۶۵
۱۵/۹/۲۴

سخت مکتب دارالموراثت

باجرات ما نشانه وجود ما کائنات را میسر داریم این کتاب را از انجمن خاندان
 بوده در زمان کتبت آید هر دو روایت سر برنا در وقت ما عهد است جود ما چنان نمرود و کتبت
 علیه می نه مدت کتبت در ایامی آید هر دو روایت علیه علیه علیه علیه
 فخرالدوله واقع اول کار تهیه آنچه مال از کتبت است بر آن در اقصای جمع خود
 چنین ساله نموده آنهم از کتبت آب نادر و خوردن در آن آید هر دو روایت علیه علیه
 و کتبت هر دو واقع از طرف دیگر ساله ها در کتبت کتبت اینها نماند و واقع است کتبت
 بخوردن ساله نموده خودی سخته او را در حد و نامتوقف و به کتبت علیه علیه علیه
 محبوب خیران را محرم هر دو روایت علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه
 کرده و سیر در بر کتبت کتبت در کتبت هر دو روایت علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه
 و کتبت علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه
 هر دو روایت علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه
 از طرف عم که کتبت علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه علیه
 علیه

پیام بهارستان / د. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

تصویر سند شماره ۱۱



فخرالدوله در کنار فرزندانش
نشسته از راست: معصومه، خانم فخرالدوله
ایستاده از راست: علی، محمود، احمد، رضا.
برگرفته از کتاب بی‌بال بحران